

نقش آموزه‌های اسلامی در علوم انسانی و اجتماعی با نظر به امکان جامعه‌شناسی اسلامی

قدرت الله قربانی

استادیار فلسفه دانشگاه خوارزمی، تهران

چکیده

علوم انسانی، به علومی گفته می‌شود که موضوع اصلی آن‌ها اندیشه و رفتار انسان است، ضمن اینکه فاعل شناسایی نیز خود انسان است. از این رو، کل هویت علوم انسانی تحت تأثیر اندیشه و رفتار فردی و اجتماعی آدمی قرار می‌گیرد که نتیجه آن متأثر شدن علوم انسانی و اجتماعی از ذهنیت‌ها و نگرش‌های انسان است. اسلام به مثابه دینی که دارای آموزه‌های مهمی در تأمین سعادت دنیوی و اخروی مسلمانان است، توجه خاصی به ارائه جهان‌بینی اسلامی دارد. برای این منظور در آموزه‌های اسلامی موارد متعددی ملاحظه می‌شود که آن‌ها تلاش دارند تا نگرش و دیدگاه انسان مسلمان را نسبت به مقولات اساسی چون خدا، خود انسان، جهان، انسان‌های دیگر، حیات فردی و اجتماعی و موارد مشابه شکل دهند. و در عین حال به آیات و روایاتی برمی‌خوریم که هم اندیشه و رفتار فردی و اجتماعی و برخی قانونمندی‌های مهم آن را در زندگی او بیان می‌کنند. در واقع آموزه‌های اسلامی نه تنها در شکل‌گیری جهان‌بینی انسان دارای نقش مؤثر هستند،

بلکه به منظور تأمین سعادت دنیوی و اخروی او قانون‌های کلی را برای حیات فردی و اجتماعی وی بیان می‌کنند. حال از آنجا که محور موضوعی علوم انسانی و اجتماعی، اندیشه و رفتار انسان است و اسلام در تأمین موارد مزبور دارای آموزه‌های زیادی است، می‌توان این آموزه‌ها را در عناصر و مؤلفه‌های مهم علوم انسانی و اجتماعی وارد ساخت تا آن‌ها رنگ اسلامی به خود گیرند. یعنی با نظر به اهمیت متغیرهایی چون موضوع، روش، غایت، قوانین و تئوری‌ها، مبانی و پیش‌فرض‌ها، کاربردها و مسئولیت‌های ناشی از علم، می‌توان موارد مذکور را تحت تأثیر آموزه‌های اسلامی بازتعریف کرد که در این صورت علوم انسانی اسلامی محقق می‌گردد. در این زمینه می‌توان نقش آموزه‌های اسلامی را در جامعه‌شناسی اسلامی مورد بررسی و آزمون قرار داد که این تحقیق به دنبال بررسی این مسئله است.

۱. مقدمه

پرسش از نقش آموزه‌های اسلامی در چگونگی شکل‌گیری علوم انسانی و اجتماعی اسلامی زمانی دارای جایگاه شایسته خود است که به این امر توجه گردد که علوم انسانی، علمی هستند که انسان به عنوان موجود صاحب دیدگاه و نظر، در آن‌ها دارای نقش برجسته‌ای است. علاوه بر این، تأثیرگذاری آموزه‌های اسلامی در کلیت نگرش انسان به هستی و خودش امری است که نمی‌توان از آن چشم‌پوشی کرد. از سوی دیگر اجتماعی بودن انسان به او این امکان را می‌دهد تا عرصه اجتماع را صحنه کارکرد و واکنش‌های مربوط به فکر و اندیشه خود قرار دهد. در واقع تعامل دو سویه اندیشه و واقعیت‌های اجتماعی برای انسان این امکان را به وجود می‌آورد تا هم در شکل‌گیری علم اجتماعی نقش فعالی داشته باشد و هم برای متغیرهای اجتماعی نیز این امکان را محقق سازد تا در فرآیند صورت‌پذیری اندیشه انسانی ایفای نقش کنند. بنابراین علوم انسانی و اجتماعی نتیجه تعامل عوامل اجتماعی و اندیشه انسان هستند؛ ضمن اینکه دین و آموزه‌های آن، هم در شکل‌گیری اندیشه انسانی و هم ماهیت متغیرهای اجتماعی دارای نقش زیادی است.

در این تحقیق ضمن در نظر داشتن تأثیرات فوق، به منظور آزمون اولیه و هر چند مقدماتی امکان تحقق جامعه‌شناسی اسلامی، تلاش می‌شود تا نقش آموزه‌های اسلامی در شکل‌دهی به مسائل کلی علوم اجتماعی تبیین گردد و تمرکز بیشتری بر جامعه‌شناسی اسلامی گردد. برای این منظور ضمن بیان اهمیت کلی مسائل اجتماعی از منظر دین اسلام، یعنی تبیین جایگاه علوم اجتماعی در آموزه‌های اسلامی، با برشمردن برخی متغیرهای مهم علوم اجتماعی چون جامعه‌شناسی، نحوه تأثیرگذاری آموزه‌های اسلامی بر آن‌ها بررسی می‌گردد. در این جهت می‌توان برای هر علم اجتماعی و انسانی، چون جامعه‌شناسی، ویژگی‌ها و متغیرهایی را در نظر گرفت که آن‌ها تعیین‌کننده هویت آن علم هستند. متغیرهایی چون: موضوع، روش، اهداف، تئوری‌ها و قوانین، مبانی و پیش‌فرض‌ها، از جمله متغیرهایی هستند که قوام علمی چون جامعه‌شناسی بر آن‌هاست. حال با نظر به امکان تأثیرگذاری آموزه‌های اسلامی بر فرآیند تکوین علوم انسانی و اجتماعی، باید دید تأثیرگذاری مزبور، چگونه هویت جامعه‌شناسی و متغیرهای آن را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

۲. اهمیت مسائل اجتماعی در آموزه‌های اسلامی

اهتمام به امور اجتماعی را می‌توان از محورهای بسیار مهم آموزه‌های اسلامی دانست. در واقع از آنجا که دین اسلام یک دین اجتماعی است و درباره ابعاد گوناگون اجتماعی زندگی انسان‌ها دستورات و قوانین مهمی را ارائه داده است، و نیز جامعه را بستر رشد انسان برای رسیدن به سعادت حقیقی می‌داند، می‌توان پژوهش اجتماعی را از اولویت‌های اساسی اسلام دانست. در این زمینه ابتدا می‌توان به آیاتی از قرآن توجه داشت که اجتماعی بودن انسان را در متن خلقت و آفرینش او در نظر گرفته‌اند. در آیه ۱۳ سوره حجرات، خداوند می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَىٰكُمْ». این آیه به ماهیت زندگی اجتماعی انسان اشاره دارد و بیان می‌کند که تفاوت‌های قومی و قبیله‌ای از شرایط لاینفک زندگی

اوست. بر این اساس مطالعه جوامع، سنت‌ها و قوانین آن‌ها، تاریخ تحولات و رشد و سقوط آن‌ها از دستورات قرآنی است که بیان‌کننده اهمیت علوم اجتماعی و انسانی از منظر اسلام و حتی جهت‌دهی به آن‌ها نیز هست. از این رو علامه طباطبایی معتقد است که بدون شک اسلام تنها دینی است که اجتماع و زندگی اجتماعی را اساس تعلیمات خویش قرار داده است و روح جامعه را تا آخرین حد ممکن در احکام و معارف خویش نفوذ می‌دهد. اسلام به قدری به اجتماع اهمیت می‌دهد که نظیری برای آن یافت نشده و نخواهد شد. (طباطبایی، ۱۳۹۴ق، ج ۴: ۹۹)

در واقع از منظر تاریخی ابعاد اجتماعی اسلام، زمینه‌هایی شده‌اند که متفکران مسلمان را به سمت شکل‌دهی اندیشه اجتماعی سوق داده است، که در این زمینه، آموزه‌های وحیانی قرآن و سنت اجتماعی متبلور در سیره حضرت رسول (ص) دارای نقش بسیار مهمی بوده‌اند. به بیان دیگر، دعوت قرآن به تفکر، تعقل و دقت در زندگی اقوام و ملل و قبایل و نیز آداب و رسوم پیشینیان و چگونگی ظهور و انقراض جوامع انسانی، از عوامل اساسی شکل‌گیری اندیشه و علوم اجتماعی در میان مسلمانان گردیده است. علاوه بر آن، دعوت به نظاره و مشاهده و مذاقه در منابع اسلامی در بررسی مسائل عمده اجتماعی و فرهنگی، زمینه شکل‌گیری اندیشه اجتماعی را فراهم ساخته است. ضمن اینکه قرآن با شیوه و روش خاصی مهم‌ترین مباحث اجتماعی و تاریخی از قبیل: پیدایش اجتماعات انسانی و تطور آن‌ها، نوع قانونمندی جوامع انسانی، سنت‌های تاریخی، کیفیت اعتلای جوامع و عامل تحرک آنها، طبقه‌بندی جوامع، اقشار و گروه‌های انسانی، خانواده و اثرات آن در ثبات و تحکیم روابط اجتماعی، عوامل وحدت‌دهنده و تجزیه‌کننده جوامع اجتماعی، فرهنگ‌پذیری انسان‌ها، رابطه اقتصاد و فرهنگ، کیفیت انتقال فرهنگ و تمدن‌ها، چگونگی تأثیرپذیری جوامع انسانی از آداب و رسوم و عادات و فرهنگ پیشینیان، حدود مقاومت انسان در مقابل جبرهای متعدد اجتماعی، سیاسی و اقتصادی، میزان اهمیت ارزش‌های اجتماعی در سلامت و انحراف جامعه، ویژگی‌های جامعه مطلوب، عوامل آسیب‌ساز در جامعه و شرایطی را که در نهایت انحطاط فرهنگ و جوامع را ممکن می‌سازد، طرح

می‌کند. (آزاد ارمکی، ۱۳۷۴: ۷۵)

در واقع قرآن کریم به واسطه نگاه عمیق به واقعیت‌های زندگی انسان در جوامع، و تأثیر و تأثر متقابل انسان و جامعه، تکامل و سقوط حقیقی انسان را تنها در جامعه و حیات اجتماعی در نظر می‌گیرد. از این رو پژوهش اجتماعی زوایای گوناگون زندگی انسان‌ها، نه تنها از اولویت‌های اساسی قرآن است، بلکه ضرورت آن انکارناپذیر است؛ که این ضرورت و اولویت می‌تواند امکان و حتی تحقق جامعه‌شناسی اسلامی را آشکار سازد، و به ویژه تحقق آن را ابتدا در قرآن و سنت اسلامی و سپس در آرای متفکرین اسلامی چون: فارابی، ابن‌سینا، ابن مسکویه، اخوان‌الصفاء، غزالی، ابن‌خلدون، ملاصدرا، علامه طباطبایی، شهید مطهری، دکتر شریعتی و برخی متفکران اسلامی معاصر به انحای گوناگون نشان دهد.

در باب نقش اسلام در شکل‌دهی مطالعات اجتماعی، چون جامعه، علاوه بر موارد پیش گفته، می‌توان اصول اسلامی زیر را نیز در نظر گرفت، که هر یک دارای نقش ویژه خود هستند:

۱. اصل برابری و تساوی اجتماعی که ملهم از آموزه‌های قرآن است.
 ۲. دعوت اسلام به مطالعه دقیق ادیان و مذاهب گوناگون، که موجب پیدایش و بسط علم ملل و نحل گردید.
 ۳. دعوت اسلام به مشاهده عینی، تفکر عقلی و تحقیق علمی، شاخص بارز این دین است که تفحص عقلانی را حتی مقدم بر تعبد و تسلیم محض می‌داند.
 ۴. دعوت اسلام به اجتهاد عقلی و علمی که باعث شکوفایی شاخه‌های گوناگون علم گردید.
 ۵. تساهل و مدارای مسلمانان در زندگی و همزیستی با دیگر ادیان به ویژه اهل کتاب و استفاده از دستاوردهای علمی دیگران.
- با نظر به اهمیت مقولات اجتماعی و انسانی در آموزه‌های اسلامی، اکنون تلاش می‌شود تا نحوه تأثیرگذاری آموزه‌های اسلامی در متغیرهای مذکور علم جامعه‌شناسی مورد بررسی قرار گیرد.

۳. نقش آموزه‌های اسلامی در موضوع جامعه‌شناسی اسلامی

با نظر به مطالب پیش‌گفته می‌توان ملاحظه کرد که دعوت اسلام به پژوهش و مطالعه اجتماعی، یعنی ارج نهادن به جامعه‌شناسی، طبیعتاً موضوع آن را نیز در بر می‌گیرد؛ یعنی نحوه نگرش به موضوع، آن را تحت تأثیر قرار می‌دهد. برای تبیین بیشتر این امر، ابتدا بایستی توجه داشت که در تعاریفی که از علم ارائه می‌گردد، به ویژگی‌های موضوع آن توجه خاصی می‌شود؛ تا آنجا که برخی از متفکران، موضوع را اصلی‌ترین عنصر و متغیر قوام‌بخش هر علمی می‌دانند، و لذا معیار تفکیک و تمایز علوم را نیز براساس موضوع آن تعیین می‌کنند. معنای این تفکیک و نقش برجسته موضوع، حداقل این است که اگر موضوع علمی، خصوصیات مشخصی مثل دینی یا سکولاربودن را به خود گرفت، می‌توان این خصوصیت را به کل آن علم نیز سرایت داد و آن را علم دینی یا سکولار نامید.

موضوع جامعه‌شناسی به بیان ساده‌تر، جوامع انسانی است؛ یعنی بررسی جوامع انسانی به عنوان مجموعه‌هایی که به گونه‌ای به وحدت رسیده‌اند و ارتباط آن‌ها با یکدیگر و نیز پدیده‌های اجتماعی به عنوان اجزا یا ابعادی از جامعه و ارتباط آن‌ها با یکدیگر است. (عراقی و دیگران، ۱۳۸۸: ۲۳) البته جوامع انسانی دارای ویژگی‌ها و ساختارهای گوناگون است که بالطبع تحت عنوان موضوعات جامعه‌شناسی بررسی می‌شوند. برای مثال ساختارهایی چون: نهادهای اجتماعی، خانواده، آموزش و پرورش و غیره، و موضوعاتی چون فرهنگ، سنت‌ها، رفتارها، طبقات، نظارت و کنترل به عنوان زیرمجموعه‌های موضوع جامعه‌شناسی بررسی می‌شوند. (کوئن، ۱۳۸۷: ۱۳) به بیان دیگر، موضوع جامعه‌شناسی، همان مطالعه و بررسی تعامل انسان با جامعه است، درحالی‌که جامعه نیز از تجمع و زندگی گروهی انسان‌ها شکل می‌گیرد؛ پس ماهیت موضوع جامعه‌شناسی یک امر اعتباری است که از تألیف و ترکیب زندگی اجتماعی انسان‌ها حاصل می‌شود؛ ولی در عین حال دارای استقلال و تمایز خاصی از علوم اجتماعی دیگر، چون جمعیت‌شناسی، انسان‌شناسی و روان‌شناسی اجتماعی است.

حال از یک سو، با توجه به اهمیت حضور آموزه‌های دینی در جامعه و ابعاد اجتماعی

اسلام، که به‌طور خلاصه در سطور فوق بیان گردید، و تعالیم گسترده اجتماعی قرآن که در پیدایش و گسترش علوم اجتماعی، بالاخص جامعه‌شناسی دارای نقش اساسی هستند، و از سوی دیگر، اهمیت دیدگاه و چشم‌انداز در انسان و اینکه او موجود پیچیده و دارای نگرش‌های گوناگون است، آیا می‌توان گفت که موضوع جامعه‌شناسی - یعنی جوامع انسانی - یک امر صامت و خنثی است. یعنی ماهیت جوامع انسانی کشورهای اسلامی، با کشورهای غربی و نیز با کشوری چون هند یا چین یکی است؟ به بیان دیگر، آیا می‌توان گفت مجموعه تعاملات و کنش‌ها و رفتارهای اجتماعی کشورها و جوامع مذکور یکی است؟ و لذا می‌توان آن‌ها را به‌عنوان یک موضوع ثابت در نظر گرفت؛ یا اینکه در مقابل باید گفت، هر جامعه انسانی، ساخته و حاصل تعلقات، گرایش‌ها، نیازها، خواست‌ها، جهان‌بینی‌ها، ارزش‌ها و هنجارهای خاص خودش است؛ و لذا در مطالعه جامعه‌شناختی باید براساس ویژگی‌های فوق، تفاوت‌های جوامع انسانی نسبت به یکدیگر در نظر گرفته شود. برای مثال در یک جامعه اسلامی، براساس جهان‌بینی اسلامی ارزش‌ها و هنجارهایی وجود دارد که تنها با نگرش جامعه‌شناختی اسلامی قابل فهم و پژوهش است و این امر را نمی‌توان با نگاه جامعه‌شناسی غربی، بالاخص جامعه‌شناسی پوزیتیویستی، مورد بررسی قرار داد.

به نظر می‌رسد می‌توان گفت، اسلام به‌واسطه توجه عمیق به زندگی اجتماعی انسان، شرایطی را به‌وجود آورده است که مطالعه جامعه‌شناختی صحیح جوامع اسلامی، تنها با رویکرد اسلامی امکان‌پذیر است؛ زیرا موضوع آن، یعنی جوامع انسانی، دارای ویژگی و صفات اسلامی هستند. از این‌رو با نظر به ابعاد اجتماعی دین اسلام، تأثیرگذاری آن در موضوع جامعه‌شناسی نیز اهمیت و جایگاه خاصی می‌یابد.

۴. تأثیر آموزه‌های اسلامی در روش جامعه‌شناسی

اهمیت روش در علم نیاز به بیان ندارد، زیرا علم جدید غرب هویت خود را براساس روش، بالاخص روش تجربی، تعریف می‌کند. هر چند تأکید اساسی علم تجربی، بر

روش تجربی است، اما روش‌های عقلی، نقلی، وحیانی، تاریخی و عرفانی نیز روش‌هایی هستند که در معارف بشری به انحاء گوناگون تأثیر دارند. در این زمینه، نقش روش عقلی، حتی در علوم تجربی، در مقام تعمیم قضایای تجربی، و نیز اهمیت روش‌های عقلی و تاریخی در علوم اجتماعی قابل انکار نیست؛ در عین حال که به واسطه تسلط دیدگاه پوزیتیویستی، اهمیت و اولویت روش تجربی و استقرائی نسبت به روش‌های دیگر خیلی بیشتر مورد تأکید می‌باشد.

جامعه‌شناسی معاصر که تحت تأثیر رویکردهای پوزیتیویستی است، روش جامعه‌شناسی را براساس آزمون تجربی قرار می‌دهد و برای آن مراحل چون آزمایش، مشاهده، نمونه‌گیری و مطالعه موردی را در نظر می‌گیرد. این دیدگاه متأثر از کار آگوست کنت جامعه‌شناس فرانسوی و نتایج گسترده ناشی از پیشرفت‌های علوم تجربی در قرون اخیر است. آگوست کنت برای نخستین بار به طور رسمی مسئله جدایی جامعه‌شناسی از فلسفه را اعلام کرد و معتقد بود که جامعه‌شناسی نیز همانند علوم طبیعی می‌تواند از روش علم تجربی استفاده کند؛ یعنی با اتکا بر تجربه و مشاهده به کشف قوانین و اصول حاکم بر زندگی و سازمان اجتماعی انسان‌ها بپردازد. لذا او گفت «اکنون زمان آن رسیده که امور اجتماعی را با روشی تحصیلی بررسی کنیم و در زمینه جامعه انسانی، دانش تحصیلی را از طریق مشاهده، آزمایش، مقایسه و روش تاریخی به دست آوریم». (عراقی و دیگران، ۱۳۸۸: ۱۳۹) این دیدگاه هر چند بعدها مورد انتقاد برخی متفکرین غربی قرار گرفت، اما تقریباً اکثریت دانشمندان علوم اجتماعی غربی با پذیرش آن، تلاش کردند تا علوم اجتماعی و انسانی را نیز به روش علوم تجربی، مورد مطالعه قرار دهند. در این میان، ظاهراً امیل دورکیم نخستین کسی است که نظریات آگوست کنت را در استفاده از روش علوم طبیعی در مطالعه پدیدارهای اجتماعی عملاً به کار بست. در میان منتقدان نیز، دیدگاه‌های ویلهلم دیلتای و تأکیدات او بر تفاوت‌های خاص موضوعات علوم انسانی از علوم طبیعی، و عدم امکان به کارگیری روش تجربی در علوم انسانی دارای اهمیت خاص خود است.

در بین اکثر دانشمندان علوم اجتماعی، اهمیت روش تجربی، با نظر به مراحل گوناگون آن، چون مشاهده، آزمایش، نمونه‌گیری و مطالعه موردی، و یا مراحل‌هایی که در آن طی می‌شود، چون طرح یک فرضیه، گردآوری داده‌ها، تحلیل داده‌ها، نتیجه‌گیری و غیره، از این جهت علمی است که آن، شرکت‌پذیر یا برای همگان آزمون‌پذیر است؛ یعنی دیگران نیز می‌توانند در یک تحقیق اجتماعی این مسیر را طی کرده و به نتیجه علمی مورد انتظار برسند. از این رو در تعریف روش تحقیق علمی گفته می‌شود که تلاشی است منظم که محقق از طریق آن به شناسایی و فهم هر چه صحیح‌تر و کامل‌تر پدیده‌ها نایل می‌شود و از لغزش‌ها و خطاها مصون می‌ماند. (همان: ۱۵۰)

این دیدگاه، یعنی نگرش پوزیتیویستی به پدیده‌های اجتماعی دارای مبنای متافیزیکی تحویل‌گرایی^۱ است که طبق آن می‌توان همه پدیده‌های انسانی و اجتماعی را به سطح پدیدارهای مادی و طبیعی تقلیل داد و به همان روش نیز تبیین کرد. به بیان دیگر، طبق این دیدگاه، آنچه درباره علوم طبیعی گفته می‌شود، در علوم انسانی و علوم اجتماعی هم صدق می‌کند و پدیده‌های اجتماعی به لحاظ مادی بودن یا پیوستگی به بُعد مادی زندگی انسان به هیچ وجه با روش عقلی به طور مستقیم قابل بررسی نیستند و با این روش نمی‌توان پدیده‌های یاد شده و قوانین آن‌ها را شناخت. (همان: ۱۵۹)

حال با نظر به مزیت‌ها و نیز محدودیت‌ها و مشکلات روش تجربی، می‌توان با لحاظ کردن آموزه‌های اسلامی، این پرسش را طرح کرد که آیا می‌شود حتی با پذیرش روش تجربی، برای روش وحیانی و نیز عقلی و تاریخی در علوم اجتماعی چون جامعه‌شناسی جایگاهی در نظر گرفت؟

در پاسخ به این سؤال می‌توان این دیدگاه را طرح کرد که با توجه به اجتماعی بودن آموزه‌های اسلامی، که در قالب وحی ارائه شده‌اند، می‌شود با روش نقلی یا وحیانی، آموزه‌های فوق را در مراحل گوناگون پژوهش‌ها و مطالعات اجتماعی وارد ساخت؛ یعنی باور به وثاقت وحی و استفاده از دستورالعمل‌ها و قوانین یا سنت‌هایی که در کتاب

الهی و سپس سیره حضرت رسول و ائمه معصومین (علیهم‌السلام) بیان شده، روش نقلی یا وحیانی را نیز در کنار روش تجربی به کار گرفت و حجیت داد. به کارگیری این روش دارای مزایای زیادی است، از جمله اینکه به واسطه پیوندهای عمیق آموزه‌های دینی با مسائل جوامع انسانی - که موضوع مورد مطالعه جامعه‌شناسی هستند - برای این رشته علمی این امکان فراهم می‌گردد تا روش‌های به کار رفته و حتی قابل استنتاج از متون فوق را در دستور کار خود قرار دهد. برای مثال استفاده از روش نقلی و وحیانی در زمینه روش پیامبران، تعلیمات آن‌ها و شرایط جوامعی که در آن‌ها زندگی و تبلیغ می‌کردند، اطلاعات گرانبهایی در اختیار انسان قرار می‌دهد که می‌تواند از آن‌ها در مطالعه جوامع فعلی استفاده کند. زیرا از جمله آموزه‌های اسلامی در زمینه جوامع انسانی ثبات سنت‌ها و قوانین الهی است که این قانون الهی با مطالعه سرگذشت جوامع گذشته - که در قرآن سرنوشت آن‌ها بیان شده - تنها به روش نقلی و وحیانی امکان‌پذیر است. بنابراین، وثاقت قرآن، به‌عنوان وحی مستقیم خدا، و بیان ابعاد گوناگون مسائل جوامع انسانی گذشته، خود، علاوه بر منبع بودن، اهمیت و حتی اولویت روش وحیانی و نقلی را در پژوهش‌های اجتماعی آشکار می‌سازد. اهمیت این امر تا آنجاست که می‌توان گفت نادیده گرفتن وحی و دستاوردهای آن در تحقیقات جامعه‌شناختی به‌ویژه در شناخت توصیفی جوامع گذشته، پژوهشگران اجتماعی را از شناخت دقیق ابعاد گوناگون جوامع و عناصر سازنده و تحول‌آفرین آن‌ها محروم می‌سازد. (همان: ۲۱۳) بر این اساس یکی از مشکلات جامعه‌شناسی پوزیتیویستی محروم ماندن آن از روش‌شناسی وحیانی و نقلی است که آن را از رسیدن به قوانین کلی و ثابت الهی در فهم و تبیین مسائل اجتماعی ناتوان کرده است.

اهمیت دیگر روش وحیانی، گستره حوزه کارکرد آن است؛ یعنی درحالی‌که روش تجربی پوزیتیویستی تنها مسائل جوامع کنونی را آن‌هم به‌طور ناقص و محدود و بیشتر ناظر بر ویژگی‌های ظاهری و بعضاً مادی مورد مطالعه قرار می‌دهد، روش وحیانی، هم امکان مطالعه جوامع گذشته و حتی پیش‌بینی برخی مسائل جوامع آینده را می‌دهد و هم تنها به ابعاد ظاهری و مادی محدود نیست، بلکه عمق مسائل و ویژگی‌های جوامع بشری

کنونی، گذشته و آینده را نشان می‌دهد. به بیان دیگر، در روش و حیانی، دین هم در قلمرو بایستی‌ها و ارزش‌ها وارد می‌شود و هم از هست‌ها سخن می‌گوید. و لذا هم امور ذهنی و اعتقادات، و امور عینی و هم موضوعات ماورایی و دنیایی را شامل می‌شود. (همان: ۲۱۵) ضمن اینکه روش فوق کاملاً منطبق بر برهان و عقل است. در این روش می‌توان با مراجعه به وحی، بررسی ادله‌ها و تفاسیر موجود از آن، و تبیین دیدگاه‌های متعارف به فهم درست‌تری از آن رسید. از جمله قواعدی که برای این روش می‌توان در نظر گرفت عبارتند از (همان: ۲۲۲-۲۲۰):

۱. از هرگونه پیش‌داوری و اظهارنظر شخصی و نسبت دادن چیزی به خدا و پیامبر، حتی پس از مراجعه به منابع، خودداری شود.
۲. از تأویل و تفسیر به رأی خودداری شود، بلکه محقق بایستی با استفاده از اصول بدیهی عقل و روش‌های مورد قبول برای فهم آیات استفاده کند.
۳. محقق باید تا آخرین حد امکان، برای درک هر موضوعی، به موضوعاتی که احتمال می‌دهد او را در فهم و کشف موضوع مذکور یاری می‌دهند مراجعه کند.
۴. در بررسی، تبیین و تفسیر آیات و روایات باید به موقعیت زمانی و مکانی، لحن و بیان آن‌ها نیز توجه کند.

حال با ملاحظه مطالب پیش گفته، می‌توان اهمیت روش و حیانی را از آنجا دانست که وحی و آموزه‌های و حیانی اسلام، تضمین‌کننده سعادت حقیقی انسان و در برگیرنده کلیه شئون فردی و اجتماعی اوست. در نتیجه می‌توان از روش و حیانی، به‌عنوان مکمل روش‌های عقلانی و تجربی، و حتی گاهی مقدم بر آن‌ها در تحقیقات جامعه‌شناختی استفاده کرد؛ که اگر این چنین کاری صورت گیرد، می‌توان از روش‌شناسی اسلامی در جامعه‌شناسی سخن گفت و اهمیت روش و حیانی اسلام را به جامعه‌شناسی معاصر یادآور شد. البته باید به این نکته توجه داشت که استفاده از روش و حیانی اسلام، به معنای بی‌اعتباری روش‌های تجربی، عقلی، تاریخی و غیره نیست، چرا که آن‌ها نیز مورد نیاز و استفاده انسان هستند و حتی دارای اهمیت زیادی می‌باشند، بلکه در اینجا، هدف نشان

دادن اهمیت روش و حیانی است؛ بالاخص که در جامعه‌شناسی معاصر، فقدان آن یک ضایعه اساسی می‌باشد. پس بایستی گفت، نگاه و حتی اولویت دادن به وحی و روش و حیانی، با نظر به اهمیت و ضرورت روش‌های دیگر می‌باشد. بر این اساس ملاحظات زیر را نیز باید در نظر گرفت (همان: ۲۲۷):

۱. از آنجا که رسالت اصلی وحی بیان موضوعاتی است که در سعادت نهایی انسان نقش دارند، طبعاً در لسان وحی همه مسائل مربوط به علوم یا اکثر آن‌ها طرح نشده است، که در اینجا ضرورت استفاده از روش‌های دیگر طرح می‌گردد.

۲. با توجه به اینکه افراد جامعه بشری آنچه را که مستقیماً خود درک می‌کنند بیشتر بدان پایبند بوده و در مقام عمل تحت تأثیر آن قرار می‌گیرند، وحی نیز در مسائلی که انسان‌ها با روش‌های دیگر می‌توانند به‌خوبی به آن رهنمون شوند، ارجاع داده و بلکه به استفاده از آن‌ها تشویق کرده است.

۳. دستاوردهای سایر روش‌ها می‌تواند مؤید دستاوردهای وحی باشد و موجب اطمینان بیشتر نسبت به داده‌های و حیانی گردد.

۴. تمام آنچه که اثبات وحی متوقف بر آن است و بنابراین خارج از حیطه وحی و مقدم بر آن است، باید با روش‌های دیگر اثبات شود تا پس از اثبات آن‌ها بتوان از روش و حیانی سود برد.

۵. همه دستاوردهای وحی در غیر زمان حضور معصومین (علیهم‌السلام) به‌طور کامل در اختیار نیست، که این امر اهمیت روش‌های دیگر را در کنار وحی نشان می‌دهد.

۵. نقش آموزه‌های اسلامی در تأمین برخی از مبانی جامعه‌شناسی اسلامی

به نظر می‌رسد تأثیرگذاری آموزه‌های دینی در علوم اجتماعی و انسانی شامل مبانی و پیش‌فرض‌های آن‌ها نیز می‌شود. زیرا علوم، چه علوم تجربی و چه علوم انسانی، همواره در پیش روی خود پرسش‌های اساسی دارند که پاسخ‌دهی به این پرسش‌ها در توان آن‌ها نیست، و نیز مفاهیم بنیادی در اساس و ریشه علوم هست که خارج از حوزه

دسترسی آن‌ها است و علوم تنها با پذیرش آن‌ها می‌توانند پژوهش و تحقیق علمی خود را سازمان داده و افق‌های جدیدی را بگشایند. اصول و مفاهیمی چون نظام‌مندی، معقولیت، هدفمندی، علیت فاعلی و اصل علیت غایی از جمله اصولی هستند که تأمین‌کننده امکان علوم و پیشرفت آن‌ها می‌باشند، بدون اینکه خود علوم در تأمین این اصول نقشی اساسی داشته باشند.

از سوی دیگر، علوم اجتماعی، چون جامعه‌شناسی، از علمی هستند که مطالعه جوامع انسانی موضوع اصلی آن‌هاست؛ از این رو اصول و مفاهیم سازنده و قوام‌دهنده جوامع انسانی در ساختن جامعه‌شناسی نقش اساسی دارند. به بیان دیگر، از آنجا که جامعه‌شناسی، مطالعه باورها، رفتارها، هنجارها، فعالیت‌ها، نهادها، ساختارها و دیگر ویژگی‌های اجتماعی زندگی انسان‌ها را در دستور کار خود دارد، بنابراین معارفی که در شکل گرفتن ویژگی‌های مذکور نقش دارند، در شکل دادن پیش‌فرض‌های جامعه‌شناسی نیز نقش اساسی خواهند داشت. پس معارفی چون فلسفه، جهان‌بینی‌های دینی و غیر دینی، انسان‌شناسی و غیره در حکم معارف پایه و اساسی جامعه‌شناسی هستند؛ یعنی ویژگی‌های این‌گونه معارف است که نوع و شکل جامعه‌شناسی را تعیین می‌کنند. بنابراین می‌توان گفت، هیچ‌یک از علوم اجتماعی و از آن جمله جامعه‌شناسی، نمی‌تواند به‌طور کامل از بینش‌های برخاسته از فلسفه، جهان‌بینی و انسان‌شناسی مستقل باشد. (همان: ۴۶ - ۴۵) زیرا انسان و نوع نگرش او به خودش، جهان و خدا و نحوه نگرش او به انسان‌های دیگر در قالب یک جامعه است که امکان یک پژوهش جدیدی به نام جامعه‌شناسی را برقرار می‌سازد. پس جامعه‌شناسی علمی است که اعتبار خود را از معارفی چون فلسفه، انسان‌شناسی، جهان‌بینی و غیره می‌گیرد و از طریق داده‌های معارف فوق است که جامعه‌شناسی اصول و کارکردهای خاص خود را تعریف می‌نماید. بر این اساس نقش معارفی چون فلسفه و جهان‌بینی و انسان‌شناسی را در جامعه‌شناسی در دو شکل زیر می‌توان در نظر گرفت. (همان: ۵۷-۴۷)

۱. معارف یاد شده بیانگر قوانین جهان‌شمول یا قوانین کلی مربوط به انسان و شئون

و ابعاد مختلف زندگی او هستند. و در نتیجه، تبیین زندگی فردی و اجتماعی انسان و علل و آثار آن را در بر می‌گیرند، و لذا رابطه‌ای طولی بین آن‌ها و جامعه‌شناسی وجود دارد. بنابراین کلیه دیدگاه‌ها، برداشت‌ها، باورها و معتقدات مکتب در این حوزه‌ها تا حد بسیار زیادی، مشخص‌کننده چهارچوب‌ها، جهت‌دهنده و تعیین‌کننده سرنوشت علوم و معارف دیگر است. ریمون آرون در این زمینه می‌گوید: «هر تئوری علمی در چهارچوب فلسفه خاصی است و گاهی نماینده اساطیر نقاط مختلف دنیا بوده است. در هر عصر، مفاهیم کلی که حقایق علمی در درون آن جای دارند، در مقابل یکدیگر قرار می‌گیرند یا با یکدیگر ترکیب می‌شوند» (آرون، ۱۳۵۶: ۶۳). این‌گونه تأثیرگذاری در چهارچوب تعالیم اسلامی کاملاً آشکار است، یعنی انسانی که در درون جهان‌بینی اسلامی فکر می‌کند و اسلام برای او مبدأ، مسیر و غایت الهی را تعریف کرده است، دارای نگرش خاصی درباره خودش، جهان، انسان‌های دیگر، روابط و مناسبات انسان‌ها با یکدیگر است که می‌تواند نگرش اجتماعی او، یعنی دیدگاه جامعه‌شناختی‌اش را شکل دهد.

۲. نقش دیگر معارف فوق، در شکل‌دهی به فلسفه جامعه‌شناسی است. یعنی پرسش‌های اساسی جامعه‌شناسی را، مقدم بر آن پاسخ می‌گوید. برای مثال اینکه آیا وجود جامعه، روح جمعی و پدیده‌های اجتماعی حقیقی است یا اعتباری، و تا چه حدود و در چه بُعد قابل شناخت، تنها در حوزه فلسفه جامعه‌شناسی، با کمک معارف بنیادینی چون جهان‌بینی دینی، متافیزیکی و غیره امکان پاسخگویی دارند. در این زمینه، دیدگاه جورج زیمل قابل توجه است. او می‌گوید: «علوم اجتماعی مانند هر علم دقیق دیگر که می‌خواهد به فهم بلاواسطه موضوعی برسد با دو منطقه فلسفی احاطه شده است: یکی از این دو در برگیرنده مفاهیم بنیادین و اصول موضوعه تحقیق عینی است که تحقیق مبتنی بر آن‌هاست و نمی‌تواند عهده‌دار آن‌ها باشد. دیگر اینکه، این تحقیق به طرف متمم‌ها، سؤالات، ارتباطات و مفاهیمی رانده می‌شود که در تجربه و معرفت عینی بلاواسطه جایی ندارند. نخستین منطقه، منطقه معرفت‌شناسی و منطقه دوم از آن متافیزیک است» (زیمل، ۱۹۵۵: ۲۳).

حال با توجه به نقش دوگانه متافیزیک و جهان‌بینی دینی در شکل‌دهی پیش‌فرض‌های جامعه‌شناسی و تأمین فلسفه جامعه‌شناسی، این امر را می‌توان در پرتو جهان‌بینی اسلامی نیز، به‌عنوان قوی‌ترین جهان‌بینی دینی، مشاهده کرد. در اندیشه اسلامی، جهان و انسان از یک خالق سرچشمه گرفته و دارای وحدت طولی هستند؛ یعنی آن‌ها همه اجزا و عناصر پیکره واحدی را تشکیل می‌دهند که دارای جهتی توحیدی است. انسان و جامعه در این مجموعه هرگز از خود استقلال ندارند و در سلسله مراتب وجودی در پایین‌ترین مرحله قرار گرفته‌اند. بنابراین بینش اسلامی نسبت به آفرینش انسان، جامعه و تاریخ، بینشی اندام‌وار است که در آن همه اجزا کار خود را انجام می‌دهند، و هر یک ارتباط مشخصی با دیگری دارد که ناظر به یک هدف واقعی است. این بینش اندام‌وار ناشی از اعتقاد آن‌ها به قرآن و توجه به فلسفه و حکمت ناشی از آموزه‌های اسلامی است. (آزاد ارمکی، ۱۳۷۴: ۱۰۵) از این‌رو در اساس تفکر اجتماعی مسلمانان می‌توان اصولی چون توحید، بعثت انبیا، معاد، کمال انسان، ضرورت وحی، اصالت عدالت، نفی ظلم، و اصول بسیار دیگری را دید که شکل‌دهنده نگرش اجتماعی آنان است.

علاوه بر این تنها وحی و آموزه‌های وحیانی اسلام است که با استفاده از جامعه‌شناسی تاریخی می‌توان با به‌کارگیری آن‌ها از عمق مسائل اجتماعی جوامع گذشته آگاهی به دست آورد. زیرا وحی تنها سند تاریخی است که می‌تواند تا عمق نخستین مرحله از مراحل بشری، که شواهد دیگر از بیان آن ناتوان هستند، پیش رود. شناختی که وحی ارائه می‌دهد، از زمان نزول آدم بر زمین آغاز می‌شود و تمام حوادث بزرگی را که بشریت شاهد آن بوده است در بر می‌گیرد. قرآن چنان گزارش‌های مهم تاریخی از زندگی انسان و اعمال وی ارائه می‌دهد که از شناخت گذشته و حال فراتر می‌رود و به افق‌های آینده می‌رسد و حتی پیشگویی‌های راستینی را نیز درباره حوادث عظیمی که بشریت در مسیر خود مشاهده خواهد کرد شامل می‌شود. (امزیان، ۱۳۸۰: ۲۶۲).

قرآن همچنین ابعاد گوناگون دینی، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و غیره جوامع گذشته را بازگو می‌کند و نشان می‌دهد که در آن جوامع اعمال و رفتارهای اجتماعی مردم چه

پیامدهایی داشته است که ملاحظه این پیامدها می‌تواند به‌عنوان اصول جامعه‌شناسی اسلامی در بررسی‌های اجتماعی قرار گیرد. برای مثال قرآن عاقبت رفتارها و کردارهایی چون تقلید، خوشگذرانی، ظلم، خودکامگی، جنایت، بت‌پرستی، ستاره‌پرستی، تقدیس حیوانات، عبادت ارواح و ملائکه و جن، زنده به گور کردن دختران، پست شمردن زنان، کم‌فروشی و استثمار را نشان می‌دهد و بیان می‌کند که اهتمام به این‌گونه رفتارهای ضد دینی، همواره نتایج یکسان و نکبت‌باری در پی داشته و خواهد داشت. در نتیجه جامعه‌شناسی امروز، بالاخص جامعه‌شناسی اسلامی، با اعتماد به آموزه‌های قرآن در این زمینه، می‌تواند از آن‌ها به‌عنوان پیش‌فرض‌های خود استفاده نماید.

۶. نقش آموزه‌های اسلامی در تأمین قوانین و نظریات جامعه‌شناسی

یکی از اهداف هر علم و از جمله جامعه‌شناسی، ساختن نظریات و آزمون آن‌ها برای رسیدن به قوانین کلی است تا با استفاده از این قوانین پدیده‌های مورد نظر خود را تبیین و تعلیل نمایند. به بیان دیگر، در پرتو قوانین ثابت و مورد قبول عالمان است که علم می‌تواند افق‌های جدید را مورد شناسایی قرار داده و پدیده‌های آن را تبیین نماید. در این زمینه، جامعه‌شناسی به‌واسطه تعهد به مطالعه ابعاد گوناگون جوامع انسانی، نیاز اساسی‌ای به قوانین ثابت و کلی دارد. درحالی‌که جامعه‌شناسی پوزیتیویستی معاصر با تکیه بر تجربه و مشاهده تلاش دارد تا به قوانین کلی درباره جوامع انسانی دست یابد، دین، جهان‌بینی دینی و متافیزیک می‌توانند در این باب دارای نقش برجسته‌ای باشند. زیرا قوانین جامعه‌شناختی که جامعه‌شناسی تجربه‌گرای معاصر در جستجوی آن است، به واسطه ابتدای بر تجربه و محدودیت‌های آن، هیچ‌گاه نمی‌توانند دارای کلیت عام گردند. درحالی‌که در مقابل، نگرش‌های متافیزیکی و دینی به‌واسطه گستره احاطه آن‌ها دارای این ویژگی هستند و برای انسان‌ها و جوامع انسانی قوانین جهان‌شمولی را ارائه می‌دهند که آن‌ها در تمام شرایط زمانی و مکانی صادق و قابل استفاده هستند و مورد نیاز جامعه‌شناسی می‌باشند.

بنابراین احاطه دین و آموزه‌های دینی بر ابعاد مختلف زندگی اجتماعی انسان این امکان را به وجود می‌آورند تا با قوانین آن‌ها مطالعات اجتماعی جهت و شتاب حقیقی خود را به دست آورند؛ یعنی دریافت صحیح و شناخت کامل قوانین جامعه‌شناختی بدون آشنایی با بینش‌های درست دینی، فلسفی و انسان‌شناختی امکان‌پذیر نیست. مسائلی از قبیل فطرت، جبر و اختیار، وجود حقیقی جامعه و تاریخ، اصل تکامل جوامع انسانی، ثبات قوانین الهی در جوامع، اصل یکسانی و عدالت، از زمره مسائل فلسفی و دینی هستند که شناخت صحیح رابطه فرد و جامعه، جبرهای اجتماعی و تاریخی، جامعه‌شناسی معرفت و غیره در گرو آشنایی محقق با آن‌هاست و بدون داشتن چنین پشتوانه‌ای، تحقیقات جامعه‌شناختی سطحی و ناقص خواهد بود. (عراقی و دیگران، ۱۳۸۸: ۵۲) در این زمینه می‌توان به نقش خاص وحی و آیات قرآنی توجه داشت. زیرا این آیات می‌توانند با بیان قوانین و روندهای کلی جوامع انسانی، پژوهشگران اجتماعی را در تحقیقات خود کمک رسانند؛ یعنی می‌توان به آیات متعدد قرآن توجه داشت. برای مثال در آیات ۴ تا ۸ سوره اسراء، خداوند به سنت‌ها و قوانین الهی در جامعه اشاره دارد. خداوند در این آیات تصریح می‌کند که امت‌ها و جامعه‌ها - از آن جهت که امت‌ها و جامعه‌اند، نه صرفاً افراد جامعه - سنت‌ها و قانون‌ها و اعتلاها و انحطاط‌هایی بر طبق آن سنت‌ها و قانون‌ها دارند. سرنوشت مشترک داشتن به معنی سنت داشتن جامعه است. (مطهری، ۱۳۷۲: ۳۹) از موارد دیگری که در آیات قرآن، به عنوان یک سنت و قانون اجتماعی ثابت می‌توان استنباط کرد، مواردی چون: داشتن سرنوشت مشترک جوامع، حاکمیت خدا بر سرنوشت انسان، تکلیف انسان به قدر طاقت، پیروزی نهایی حق بر باطل، ضرورت حمایت از مظلوم در مقابل ظالم و ضرورت رعایت عدالت در همه شرایط هستند. در این زمینه می‌توان نقش قوانین و سنت‌های الهی بیان شده در قرآن را در تبیین قوانین جامعه‌شناختی با دقت و بصیرت لازم به کار گرفت؛ زیرا قوانین الهی در مورد اجتماع، قوانین ثابت و علی هستند که به کارگیری آن‌ها محقق علوم اجتماعی را در فهم و تبیین مسائل اجتماعی یاری فراوان می‌دهد. برای مثال سخن قرآن از تبدیل جوامع از یک حالت به حالتی دیگر

و نابودی اقوام و دوران‌های خاص و نسل‌های متفاوت صبغه‌ای دارد جدا از تفصیلات تاریخی و حوادث جزئی. گفتار قرآن ما را از مرزهای محدود به چهارچوب زمان و قوم معین خارج می‌سازد و بر جامعه انسانی در چهارچوب کلی آن، که شامل همه اقوام و ملل است و همه آن‌ها پیرو سنت‌هایی یگانه هستند، مشرف می‌گرداند. (امزیان، ۱۳۸۰: ۲۷۷)

به بیان دیگر قرآن از مجموعه حوادثی که تکرار می‌شود و تنها شکل و شرایط زمانی و مکانی آن‌ها فرق می‌کند، وجود قانون و سنتی جهانی را ثابت می‌کند که بر این جوامع حاکم است. برای مثال خداوند در آیات زیر می‌فرماید: «سُنَّةَ اللَّهِ فِي الَّذِينَ خَلَوْا مِنْ قَبْلُ وَكَانَ أَمْرُ اللَّهِ قَدَرًا مَقْدُورًا»؛ (سوره احزاب، آیه ۳۸) و نیز: «قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِكُمْ سُنَنٌ فَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُكْذِبِينَ» (سوره آل عمران، آیه ۱۳۷) بنابراین از ملاحظه کلی آیات قرآن می‌توان به قوانین زیر دست یافت، که این‌ها در مقام پیش‌فرض، یا قوانین ثابت اجتماعی و حتی تبیین پدیده‌های اجتماعی می‌توانند اساس کار جامعه‌شناسی اسلامی باشند:

۱. قانون ملازمت میان پیروی و پیروزی، و سرکشی و شکست.
۲. قانون ملازمت میان فساد اخلاقی و فروپاشی جوامع.
۳. قانون ملازمت میان نابودی و ظلم.
۴. قانون ملازمت میان شیوع منکرات و نابودی امت‌ها.

بر این اساس می‌توان آموزه‌های قرآنی را که در قالب قوانین اجتماعی ثابت هست، در جامعه‌شناسی وارد ساخت و از این جهت، هم جامعه‌شناسی را جهت‌دهی کرد و هم قوانین کلی تری مبتنی بر قوانین اجتماعی قرآن به دست آورد. علاوه بر آن، در تبیین پدیده‌های اجتماعی از تبیین دینی، در کنار تبیین‌های علمی و فلسفی، استفاده کرد تا به حقیقت پدیده‌ها بهتر پی برد.

۷. نقش آموزه‌های اسلامی در قلمروها، کارکردها و اهداف جامعه‌شناسی

از آنجا که جامعه‌شناسی مطالعه ویژگی‌ها و ابعاد گوناگون جوامع انسانی است، قلمرو آن نیز زندگی اجتماعی انسان و خصوصیات مختلف آن را دربرمی‌گیرد. زیرا جامعه‌شناسی با باورها، ذهنیت‌ها، هنجارها، نگرش‌ها و دیگر خصوصیات انسانی در سطح اجتماعی سروکار دارد و لذا در ارتباط وسیعی با معارف دیگر دینی، فلسفی و غیره می‌باشد. بنابراین می‌توان گفت، قلمرو جامعه‌شناسی در ارتباط مستقیم با موضوع، مسائل، محورهای مباحث و نیز ارتباطات آن با علوم دیگر است. در این زمینه، علاوه بر فلسفه، جهان‌بینی، ایدئولوژی و انسان‌شناسی که در تعیین قلمرو جامعه‌شناسی نقش اولیه و اساسی دارند، می‌توان تأثیر علوم دیگر، چون اقتصاد، سیاست، تاریخ، حقوق و روان‌شناسی را نیز در نظر داشت. در این میان نقش جهان‌بینی‌ها و ایدئولوژی‌های دینی در تعیین و گسترش دادن قلمروها، و سپس کارکردها و حتی اهداف جامعه‌شناسی کاملاً آشکار است. برای مثال در دیدگاه الحادی یا پوزیتیویستی، به واسطه اعتقاد صرف به واقعیت جهان ماده و تجربه، قلمرو، اهداف و کارکردهای جامعه‌شناسی را تنها به حدود جهان ماده محدود می‌سازند؛ درحالی‌که نگرش‌های الهی، به واسطه در نظر گرفتن کل واقعیت مادی و معنوی، افق جهان‌بینی انسان را گسترش داده و آن را حتی به قلمروهای غیر مادی نیز گسترش می‌دهند. در این زمینه می‌توان به نقش ایدئولوژی دینی توجه داشت که می‌تواند با جهت مشخص دادن به موضوعات جامعه‌شناختی، بصیرتی از موضوع، روش، قلمرو، کارکرد و اهداف جامعه‌شناسی ایجاد نماید؛ زیرا ایدئولوژی، یک نظام ارزشی است و علوم انسانی نمی‌توانند تهی از نظام ارزشی باشند. برای مثال گفته شده که ایدئولوژی و ارزش‌های پذیرفته شده از طرف جامعه‌شناسی، حتی در انتخاب الفاظ و تعابیری که برای فهم و تبیین پدیده‌ها به کار می‌رود و حوزه‌هایی که برای آن تعریف می‌شود، دارای نقش اساسی است؛ بالاخص باید به نقش آن در تعیین کارکردها و اهداف جامعه‌شناسی توجه داشت؛ زیرا هر انسانی براساس ایدئولوژی خاصی که پذیرفته، یک سلسله بایدها و نبایدهایی را باور دارد. این باید و نبایدها، به طور مستقیم یا

غیر مستقیم در ارائه راه‌حل او را کمک و جهت‌دهی می‌کنند. به بیان دیگر، در بُعد نظری و عملی و حتی کشف قوانین، ایدئولوژی‌ها می‌توانند با ارائه راهکارها و دستورات خاص خود، ضرورت استفاده یا عدم استفاده از ابزارها و روش‌ها، تبیین‌ها و اصول خاصی را تجویز کرده یا ممنوع سازند. مثلاً در ایدئولوژی اسلامی، نمی‌توان براساس شیوه‌های غیر یقینی چون پیروی از ظن و گمان یا تقلید از بزرگان و نیاکان به تحقیق پرداخت؛ در مقابل، ضمن استفاده از آیات و روایات، روش عقلی و تجربی نیز مورد تأکید فراوان است. (همان: ۵۹)

در این زمینه می‌توان به نقش وحی و آموزه‌های قرآنی در تصحیح اشتباهات گذشته توجه داشت. به بیان دیگر، مطالعه آیات قرآنی به پژوهشگر علوم اجتماعی این بصیرت را می‌دهد تا از ملاحظه سرنوشت جوامع در چهارچوب قواعد جامعه‌شناختی به الگوهای برسد که آنها، مانع از اشتباه او گردد و نتایج غلط را در تحلیل داده‌ها و تبیین‌های جامعه‌شناختی خود به کار نگیرد. بر این اساس، یعنی با اتکا به جهان‌بینی و ایدئولوژی اسلامی، می‌توان جامعه‌شناسی اسلامی را در نظر گرفت که دارای اهداف زیر باشد (همان: ۲۸ - ۲۷):

۱. شناخت قوانین حاکم بر جوامع و پدیده‌های اجتماعی که نمونه‌های روشن سنت‌های خداوند در زندگی اجتماعی است.
۲. شناخت عوامل انحطاط و سقوط جوامع خاص به منظور صیانت جامعه در حال و آینده.
۳. آسیب‌شناسی جامعه اسلامی به‌ویژه در ارتباط با سست یا متزلزل شدن باورها و ارزش‌های دینی در جامعه اسلامی.
۴. شناخت مکانیسم و روند تحولات اجتماعی و نیز ایجاد دگرگونی در عناصر آن برای تحقق اهداف الهی و تحقق جامعه ایده‌آل اسلامی.
۵. شناخت دقیق بُعد اجتماعی انسان به منظور کمال بخشیدن به تبیین انسان‌شناسی اسلامی.

۶. ارائه تبیین‌های معقول و مستدل برای پاره‌ای از سنت‌های اجتماعی قرآن که زمینه تحول در بینش افراد نسبت به دین و تقویت پایه‌های عقیدتی ایشان و اطمینان نفسانی نسبت به آن‌ها را به همراه دارد.

۷. ایجاد قدرت پیش‌بینی حوادث آینده.

۸. شناخت دقیق کمبودها و نیازهای جامعه و عوامل و پیامدهای اجتماعی آن به منظور توان برنامه‌ریزی دقیق و واقع بینانه در جامعه اسلامی.

۷. الگوی پیشنهادی جامعه‌شناسی اسلامی

با ملاحظه مطالب گفته شد، و با توجه به نقش‌هایی که برای دین در اثرگذاری بر علم بیان گردید، و نیز توجه به نقش و اهمیت اجتماع و زندگی اجتماعی در آموزه‌های اسلامی که برخی از موارد آن بیان گردید، می‌توان در بیان ماهیت و ویژگی‌های جامعه‌شناسی اسلامی ملاحظات اولیه زیر را در نظر گرفت:

۱. **تعریف:** جامعه‌شناسی اسلامی مطالعه جوامع انسانی و ساختارها و نهادهای آن در پرتو آموزه‌های اسلام می‌باشد. به بیان دیگر، جامعه‌شناسی اسلامی یعنی مدلی از شناخت جامعه که اصول و قوانین و مبانی آن از اسلام گرفته شده و از زاویه اسلام و پیش‌فرض‌های اسلامی به آن نگریسته می‌شود.

۲. **موضوع:** موضوع جامعه‌شناسی اسلامی، جامعه‌های انسانی است که در آن اسلام و آموزه‌های اسلامی دارای نقش مهمی می‌باشند. به بیان دیگر، موضوع آن جوامع دینی - بالخصوص اسلامی - است که میان اعضای آن وحدت اجتماعی خاصی - مثلاً تحت عنوان امت - به وجود می‌آورد.

۳. **هدف:** هدف جامعه‌شناسی اسلامی، شناخت ابعاد گوناگون زندگی اجتماعی جوامع دینی، به ویژه اسلامی، و تبیین آن‌ها با استفاده از قوانین و سنت‌های ثابت الهی به منظور تحقق بخشیدن به جامعه‌ای مطلوب و ایده‌آل است. به بیان دیگر، جامعه‌شناسی اسلامی تلاش دارد تا با شناخت نظری جوامع انسانی، با استفاده از اصول و قوانین اسلامی و نیز

تجارب و عقل انسانی، به قوانین بشری کلی‌تر در پرتو قوانین ثابت الهی دست یابد تا زمینه‌های تعالی انسان‌ها در جوامع فراهم گردد.

۴. روش: جامعه‌شناسی اسلامی استفاده از روش‌های تجربی، عقلانی، و حیانی و نیز مطالعات تاریخی را در دستور کار خود دارد. یعنی ضمن استفاده از روش تجربی جامعه‌شناسی معاصر، از توانمندی‌های روش‌های دیگر، بالاخص روش و حیانی و سپس عقلانی و تاریخی استفاده شایانی می‌برد.

۵. قلمرو: قلمرو جامعه‌شناسی اسلامی، به صرف مطالعه تجربی و حسی جوامع کنونی و بررسی‌های استقرائی آن‌ها محدود نیست؛ بلکه علاوه بر استفاده از این موارد، به مطالعه جوامع گذشته، بالاخص با استفاده از متون موثق تاریخی و دینی برای دست‌یافتن به قوانین کلی اقدام می‌کند. یعنی در مطالعه جامعه‌شناختی، تنها به بررسی‌های پدیداری اکتفا نمی‌کند، بلکه تلاش دارد تا ابعاد و لایه‌های غیر مادی پدیده‌های اجتماعی را نیز دریابد.

۶. پیش‌فرض‌ها: به‌واسطه ارتباط وثیق جامعه‌های انسانی با دین و جهان‌بینی‌ها، پیش‌فرض‌های جامعه‌شناسی اسلامی در چهارچوب آموزه‌های دینی اسلامی و متافیزیک اسلامی تعیین می‌گردد. از این‌رو ابعاد دینی و فلسفی پیش‌فرض‌های جامعه‌شناسی اسلامی در تعیین ماهیت آن نقش اساسی دارند. برای مثال نحوه تلقی از جامعه، منشأ آن، ماهیت انسان، تکامل، عدالت، آزادی، نهادها و سازمان‌ها، اخلاق اجتماعی، سعادت و غیره در پرتو جهان‌بینی اسلامی تعریف شده و در جامعه‌شناسی اسلامی استفاده می‌گردد.

۷. قوانین و نظریات: نظریات جامعه‌شناسی اسلامی می‌توانند همچون علوم دیگر منشأ انسانی و اجتماعی داشته باشند؛ اما برای آزمون نظریات و رسیدن به قوانین ثابت جامعه‌شناسی، می‌توان علاوه بر روش‌های تجربی از قوانین و سنت‌های الهی بهره گرفت. بنابراین، نظریات همواره موقتی هستند، اما قوانین دو نوع هستند، نوع اول قوانینی که مستقیماً از متن قرآن و سنت استنباط می‌شوند که دارای ثبات لازم هستند؛ نوع دوم قوانینی هستند که با استفاده از تجارب انسانی و با نظر به سنت الهی، توسط پژوهشگران

اجتماعی فهم و ارائه می‌گردند که به نسبت قوام و استحکام خود می‌توانند اعتبار لازم را داشته باشند.

۸. **تبیین در جامعه‌شناسی:** در جامعه‌شناسی اسلامی، مهم‌ترین ابزار تبیین، استفاده از قوانین و سنت‌های وحیانی، بالاخص توجه به اصل رابطه علنی پدیده‌ها، و نیز استفاده از روش‌های تجربی و عقلانی است؛ یعنی این‌ها مکمل هم هستند، منتها با لحاظ تقدم تبیین‌های مستند به قوانین ثابت الهی.

۹. **مقام گردآوری و داوری:** در جامعه‌شناسی اسلامی، داده‌های دینی هم در مقام گردآوری نقش دارند و هم در مقام داوری؛ زیرا به واسطه وجود اطلاعات جامعه‌شناختی فراوان در متون دینی، بالاخص قرآن و روایات، در مورد جوامع گذشته، که دسترسی محقق به آن‌ها امکان‌پذیر نیست، خود این‌ها منبع داده‌های ارزشمندی برای جامعه‌شناسی هستند. علاوه بر این سنت‌ها و قوانین ثابت الهی که در آیات قرآن و روایات معصومین ذکر شده می‌توانند به عنوان معیارهایی در دست پژوهشگر علوم اجتماعی باشند تا در قضاوت‌های خود از آن‌ها استفاده نماید، یعنی آموزه‌های دینی، در هر دو مقام گردآوری و داوری دارای نقش اساسی هستند.

۱۰. **جایگاه انسان:** از آنجا که موضوع اصلی علوم اجتماعی مطالعه رفتار انسان در ابعاد فردی و اجتماعی است، جامعه‌شناسی اسلامی، بر خلاف جامعه‌شناسی پوزیتیویستی، با نظر به جایگاه خاص انسان، یعنی اینکه او اشرف مخلوقات، دارای عقل، اختیار، آزادی، مسئولیت و غیره است، او و رفتار اجتماعی او را مورد مطالعه قرار می‌دهد.

۱۱. **نتایج:** از آنجا که جامعه‌شناسی اسلامی، به منبع وحی در مطالعه ویژگی‌های جوامع انسانی دسترسی دارد، احتمال خطای آن نسبت به جامعه‌شناسی پوزیتیویستی بسیار کم است، و در نتیجه تبیین‌های اجتماعی آن و راهکارهایش برای تکامل و ترقی جوامع انسانی واقع‌بینانه و عملی‌تر خواهد بود.

کتابنامه

۱. قرآن کریم
 ۲. آرون، ریمون، (۱۳۵۶)، جامعه‌شناسی کشورهای صنعتی، ترجمه: رضا علوم‌ی، تهران، کتاب‌های سیمرغ، چاپ دوم.
 ۳. آزاد ارمکی، تقی، (۱۳۷۴)، اندیشه اجتماعی متفکران مسلمان، تهران، سروش.
 ۴. امزبان، محمد، (۱۳۸۰)، روش تحقیق علوم اجتماعی از اثبات‌گرایی تا هنجارگرایی، ترجمه: عبدالقادر سواری، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه و المعهد العالمی الفکر الاسلامی.
 ۵. طباطبایی، سیدمحمد حسین، (۱۳۹۴)، المیزان فی تفسیرالقرآن، جماعة المدرسین، قم، مؤسسه النشرالاسلامی، مجلدات مختلف.
 ۶. کوئن، بروس، (۱۳۸۷)، مبانی جامعه‌شناسی، ترجمه و اقتباس: توسلی، غلام‌عباس و دیگران، تهران، انتشارات سمت، چاپ بیست و یکم.
 ۷. مطهری، مرتضی (۱۳۷۲)، جامعه و تاریخ، تهران، صدرا، چاپ پنجم.
8. Simmel, G(1955), Conflict and the Web of Group Affiliations, New York, Free Press.